



سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب مطالعه موردی: کشورهای در حال توسعه (۲۰۱۰ - ۱۹۹۶)^۱

ایمان میرزا آفانسب گردودباری^۲ - مهدی تقوی^۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۳ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۱۸

چکیده

سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب، مفاهیمی هستند که در چند سال اخیر وارد مباحث اقتصادی گردیده و مورد توجه جدی اقتصاددانان قرار گرفته است. لذا پژوهش حاضر به دنبال بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. ما در این مقاله به مروری کوتاه بر مفاهیم ارائه شده از سرمایه اجتماعی می‌پردازیم. و سپس با استفاده از آمارهای موجود به بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر شاخص های حکمرانی پرداخته می‌شود. برای این منظور، با استفاده از حداکثر داده های موجود در سالهای ۲۰۱۰ - ۱۹۹۶ برای ۱۴ کشور در حال توسعه، با استفاده از روش داده های تابلویی، الگوهای اقتصاد سنجی برآورد شده است. نتایج برآورد الگوها نشان می‌دهد که اثر سرمایه اجتماعی بر روی حکمرانی خوب تاثیر مثبت و معنادار دارد.

واژگان کلیدی:

طبقه بندی JEL: Z13 , H11 , C23

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب، داده های تابلویی (پانل)

^۱ این مقاله مستخرج از رساله کارشناسی ارشد آقای میرزا آفانسب تحت عنوان « اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب در کشورهای منتخب جهان » می باشد. که به راهنمایی دکتر مهدی تقوی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات دفاع گردیده است.

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

iman.ghanasab@gmail.com (مسئول مکاتبات)

^۳ : استاد دانشکده اقتصاد ، دانشگاه علامه طباطبایی

۱- مقدمه

پس از مقدمه در بخش دوم به بیان تعاریف و گسترش مفهوم سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب پرداخته ایم. در بخش سوم، به مطالعات صورت گرفته در زمینه سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب و ارائه مبانی نظری بین آنها پرداخته شده است. بخش چهارم، به بررسی مدل های مربوط به اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب پرداخته ایم. در بخش پنجم، نتایج بدست آمده از مدل و پیشنهادات ملاحظه می شود.

مفهوم سرمایه اجتماعی:

پوتنام می گوید سرمایه اجتماعی همچون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، ابزار و آموزش هایی که بهره وری فردی را افزایش می دهند، به ویژگی های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب منافع متقابل را تسهیل می کند (Putnam, 1995). او بیان می کند سرمایه اجتماعی، منافع سرمایه گذاری در زمینه ی سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می دهد (پوتنام، ۱۳۸۴).

کلمن، سرمایه اجتماعی را بر مبنای کارکرد آن تعریف می کند. او می گوید: سرمایه اجتماعی، نهاد واحدی نیست بلکه مجموعه ای از نهادهای گوناگون است که دو عنصر مشترک دارند: اولاً، همه ی آن ها مشتمل بر جنبه ای از ساختارهای اجتماعی هستند. ثانیاً، کنش های معین افرادی را که درون ساختار هستند، تسهیل می کنند. سرمایه اجتماعی مانند سایر اشکال سرمایه، مولد است، یعنی تحقق اهداف معینی را که در نبود آن محقق نمی شوند، امکان پذیر می گرداند. سرمایه اجتماعی مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، کاملاً قابل جابه جایی نیست، یعنی نوع خاصی از سرمایه ی اجتماعی که در تسهیل کنش های معینی سودمند است، شاید برای کنش های دیگری بی فایده یا حتی زیان بخش باشد. (کلمن، ۱۹۹۰)

او در سال های بعد در تعریف دیگری از سرمایه اجتماعی بیان می کند که سرمایه اجتماعی شاکله ی ساختاری روابط میان فعالان اجتماعی است (کلمن، ۱۹۹۳). پیربورديو، سرمایه اجتماعی را یکی از اشکال سرمایه می داند. به نظر بورديو، سرمایه سه شکل بنیادی دارد: سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی. بورديو در مورد سرمایه اجتماعی می گوید: سرمایه اجتماعی، جمع منابع واقعی یا بالقوه ای است که از شبکه ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه شده ارتباط و شناخت متقابل (یا به بیان دیگر عضویت در یک گروه) حاصل می گردد. شبکه ای

یکی از عوامل تاثیر گذار در رشد و توسعه ی اقتصادی، دخالت دولت و نقش مهم آن در اقتصاد می باشد. در زمان کلاسیک ها اعتقاد بر این بود که دولت نباید در اقتصاد دخالت داشته باشد اما به علت بوجود آمدن بحران بزرگ در سال ۱۹۲۹ و باتوجه به اندیشه های دولت گرایی کینز اعتقادات به این سمت رفت که بدون دخالت دولت رشد و توسعه امکان پذیر نیست. با شروع دهه ی ۱۹۸۰ مجدداً گرایش به سمت کاهش نقش دولت به وجود آمد اما بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ در گزارشی به بررسی اثرات حاکمیت نامطلوب بر تاخیر رشد اقتصادی در کشورها به خصوص در کشورهای در حال توسعه می پردازد. دیوف و دیگران^۱ در این گزارش که ناشی از رابطه ی توسعه، دموکراسی و موضوعات متنوع اجتماعی بود، مفهوم حکمرانی خوب^۲ را مطرح کردند. به طوریکه اندیشمندان سیاسی این اصطلاح را جدای از دولت بیان می کنند. نظریه ی حکمرانی خوب، ضمن پذیرش منطقی دولت بر نقش تسهیل کنندگی آن تاکید دارد. در این نظریه، بین سه رکن اصلی، دولت، جامعه ی مدنی و بخش خصوصی ارتباط نزدیکی وجود دارد به طوریکه ارتباط صحیح بین این سه رکن زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف میسر می سازد.

از سوی دیگر سرمایه ی اجتماعی^۳ که یک مفهوم بین رشته ای است اولین بار قبل از سال ۱۹۱۶ در مقاله ای توسط هانی فان^۴ در دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد اما در دودهه اخیر مورد توجه بسیاری از شاخه های علوم انسانی یعنی اقتصاد، علوم اجتماعی، علوم سیاسی و... قرار گرفته است. لذا سرمایه ی اجتماعی در کنار سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و سرمایه طبیعی، می تواند نقش بسیار مهمی در این حوزه ها داشته باشد به طوریکه بانک جهانی از این سرمایه به عنوان سرمایه ی نامرئی یاد می کند و بررسی های دقیق تر نشان می دهد که بدون این سرمایه، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه ای نمی رسد.

بنابراین با توجه به این بحث، پژوهش حاضر به دنبال این است که مشخص کند سرمایه ی اجتماعی چه تاثیری بر حکمرانی دارد؟ آیا سرمایه اجتماعی می تواند به عنوان یک متغیر مهم باعث بهتر شدن حکمرانی شود؟ بر این اساس فرضیه تحقیق به این صورت است که، «بالا رفتن سطح سرمایه ی اجتماعی در کشور باعث تسهیل و بهتر شدن حکمرانی خوب می شود».

این پژوهش، به دنبال بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب برای کشورهای در حال توسعه می باشد. برای این منظور مقاله به صورت زیر سازماندهی شده است:

وجدان جمعی معرفی می‌کنند (Flora and Flora , 1995).

کاوچی و همکارانش، عقیده دارند سرمایه اجتماعی میزان همگونی توزیع سلامت در نواحی جغرافیایی یک منطقه است (Kawachi and Kennedy , 1997:) (Kawachi , et al , 1997).

وال در مورد سرمایه اجتماعی بیان می‌کند که تعریف رایج سرمایه اجتماعی در جریان اصلی جامعه‌شناسی آمریکایی، به ویژه در روایت کارکردگرایانه ی آن، عبارت است از: روابط دو جانبه ی تعاملات و شبکه‌هایی در میان گروه‌های انسانی پدیدار می‌گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی به عنوان پیامد تعهدات و هنجارهای پیوسته با ساختار اجتماعی یافت می‌شود. در مقابل جامعه‌شناسی اروپایی این مفهوم را در بررسی این موضوع به کار می‌گیرند که چگونه تحرک پیوندهای مربوط به شبکه‌های اجتماعی، سلسله مراتب اجتماعی و قدرت تمایز یافته را تقویت می‌کند. با وجود این نکات مشترک این دو دیدگاه در مورد سودمندی سرمایه اجتماعی در افزایش برخی ویژگی‌ها مانند آموزش، تحرک اجتماعی، رشد اقتصادی، برتری سیاسی و در نهایت توسعه است. (وال، ۱۹۹۸)

ادواردلومان^۷ و ریکاساندفور^۸ (به نقل از دورلاف، ۱۳۸۴) می‌گویند: سرمایه اجتماعی یک فرد عبارت است از، مجموعه و الگوی روابطی که فرد با آنها درگیر است و بدان دسترسی دارد.

شیف^۹ (۱۹۹۲) به طور مسبوط تر سرمایه اجتماعی را این گونه تعریف می‌کند: مجموعه ای از عناصر ساختار اجتماعی که بر روابط میان مردم اثر می‌گذارد و نهادهای تابع تولید و یا توابع مطلوبیت را تشکیل می‌دهند.

در آخر باید گفت، هر یک از تعاریف بالا به جنبه ای از سرمایه اجتماعی نگاه می‌کنند و در گسترش و توضیح آن جنبه ای از سرمایه اجتماعی بر می‌آیند. می‌توان گفت، سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی برای تسهیل روابط میان افراد تلقی می‌شود. این منبع شامل نهادها، هنجارها، اعتماد، آگاهی و بسیاری موارد دیگر می‌باشد که بر روابط و تعاملات میان افراد حاکم است و می‌تواند پیامدها و نتایج مختلفی بر عملکرد افراد و جوامع داشته باشد.

تعاریف حکمرانی خوب و شاخص‌های آن:

در زمینه ی حکمرانی خوب تعاریف متعددی از اشخاص و نهادهای ملی و بین‌المللی ارائه شده است. که در اینجا

که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و به آنان اعتبار می‌بخشد. (بورديو، ۱۳۸۴) فوکویاما^۵ در آثار خود بیان می‌کند که هر چند تعاریفی برای سرمایه اجتماعی ارائه شده ولی بسیاری از این تعاریف، به نمودهای سرمایه اجتماعی - و نه خود آن - اشاره می‌کنند. او بیان می‌کند که سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان وجود معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی^۶ تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان شان برقرار است، در آن سهیم هستند. او اضافه می‌کند که مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشند، که به ارتقاء همکاری اجتماعی کمکی نخواهد کرد. شواهد و دلایل فراوانی ثابت کرده است که این امر، هم برای دولت و هم توسعه ی اقتصادی نتایج منفی به بار آورده است. برعکس هنجارهایی که سرمایه اجتماعی تولید می‌کند، اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و وفاداری باشند (فوکویاما، ۱۳۷۹).

مایکل ولکاک و دیپانارایان در مورد سرمایه اجتماعی بیان می‌کنند که خانواده، دوستان، شرکا و همکاران شخص، سرمایه ی مهمی را تشکیل می‌دهند، سرمایه ای که به هنگام مواجه با یک بحران، می‌توانند واقع شوند. به علاوه، آن چه که در مورد افراد صدق می‌کند، در مورد گروه‌ها هم صادق است. (Woolcoch and Narayan , 2000)

بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده ای می‌داند که حاصل تاثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است. تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده تاثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه ی کشورهای مختلف دارد. سرمایه اجتماعی بر خلاف سایر سرمایه‌ها به صورت فیزیکی وجود ندارد بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی می‌باشد و افزایش آن می‌تواند موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداره جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها گردد. (World Bank , 1998)

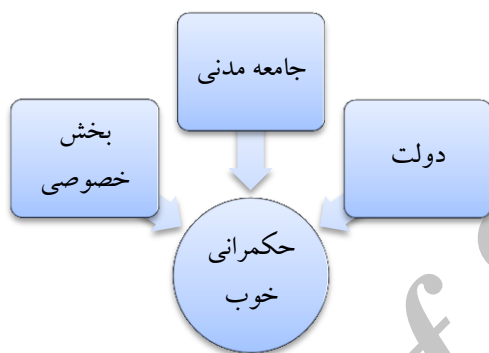
پورتس می‌گوید: منظور از سرمایه اجتماعی، هنجارها و شبکه‌هایی است که مردم را قادر می‌سازند تا دست به کنش جمعی بزنند. این تعریف ساده نه بر پیامدها بلکه بر منابع سرمایه اجتماعی متمرکز است.

(Portes , 1998)

فلورا و فلورا، وجدان جمعی را به عنوان سرمایه اجتماعی می‌دانند و اعتماد متقابل را به مثابه ی شاخص

شفاف، قابلیت پیش بینی و مشارکت» استوار است. (Santiso , Carlos , 2002). برنامه ی توسعه ی سازمان ملل متحد با انتشار گزارش حکمرانی و توسعه ی انسانی پایدار (UNDP , 1997) ادبیات نوینی را در مفهوم حکمرانی شکل داد. این سازمان «حکمرانی را بهره گیری مدیران اجرایی، مقامات سیاسی و اقتصادی برای اداره ی امور تمام سطوح کشور می داند». در حکمرانی خوب شراکت بین سه رکن اصلی دولت، جامعه ی مدنی و بخش خصوصی در انجام فعالیت ها وجود دارد که گاهی فراتر از مشارکت است.

مبنای اصلی، تعریف و شاخص های ارائه شده توسط بانک جهانی می باشد. لیون، حکمرانی خوب را، مدیریت اثر بخش منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور می داند. به گونه ای که چنین مدیریتی شفاف، پاسخگو، عدالت جو و باز باشد. (Lyon , 2000). بانک توسعه ی آفریقا^{۱۱} به عنوان اولین بانک منطقه ای با رویکرد چند جانبه گرایی، حکمرانی خوب را به عنوان سیاست رسمی حکومت ها معرفی می کند. حکمرانی خوب از نظر این بانک همان حکمرانی خوب^{۱۱} است که براساس چهار مبنای به هم پیوسته «پاسخگویی،



روابط بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی در حکمرانی خوب (UNDP , 2000)

ارتباط صحیح و تعاملی هریک از بخش ها، نقش و کار ویژه مهم و اساسی بر عهده خواهند داشت. به نمودار زیر توجه کنید:



نقش بخش های سه گانه در حکمرانی خوب (جانسون و مینس، ۱۹۹۰)

از نظر برنامه ی توسعه ی سازمان ملل متحد (UNDP , 1997), شاخص های کلیدی حکمرانی خوب عبارتند از: «مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسولیت پذیری، اجماع مداری، عدالت، اثر بخشی و کارایی، پاسخگویی و دیدگاه استرژیک^{۱۲}». بانک جهانی، حکمرانی را شیوه ی

در تعریف دیگری، حکمرانی خوب شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه ی آنها به شهروندان، گروه ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را پی گیری و تعهداتشان را برآورده می سازند و تفاوتشان را تعدیل می کنند. (UNESCAP , 2002)

مطالعات تجربی انجام شده در این زمینه، زیاد نمی باشد و سعی شده که مطالعاتی که بیشترین اشتراک را با موضوع مورد پژوهش ما دارد، در این قسمت معرفی و تشریح شود. کاظمی پور (۱۳۸۳)، در مقاله ی خود به نام «سرمایه اجتماعی در ایران» سعی کرده است تا با استفاده از نتایج منتشر شده نظرسنجی پیمایش نگرش ها و ارزش های ایرانیان، انجام شده توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱، و مقایسه ی آن با نظر سنجی انجام شده توسط پژوهشکده ی علوم ارتباطی و توسعه ی ایران در سال ۱۳۵۳، تغییر در میزان اعتماد را در جامعه ی ایران به طور تجربی بررسی کند. او بیان می کند که نتایج نشان دهنده ی این است که ایرانیان صرفا به اعضای خانواده ی خود اعتماد دارند و اعتماد چندانی به یکدیگر ندارند، اگرچه در وضعیت هایی همچون جنگ در کنار یکدیگر قرار می گیرند و عمیقا به هم اعتماد می کنند و از این طریق، همدلی دراز مدتی ایجاد می گردد.

کاظمی پور (۱۳۸۳) به نقل از پوتنام (۱۹۹۳)، در مقاله ی خود به نام «به کار انداختن دموکراسی» به بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه ی سیاسی و توسعه ی اقتصادی در ایتالیا پرداخته است. به نابه گفته ی وی، مناطق شمالی ایتالیا، که به طور تاریخی از سطح بالاتری از سرمایه اجتماعی (اعتماد و نیز مشارکت در نهادهای مدنی) برخوردار بوده، نوعا دارای حکومت های دموکراتیک و اقتصاد محلی شکوفاتری هستند. در مقابل، بخش های جنوبی این کشور، به خصوص منطقه ی سیسیل که سطح پایین تری از سرمایه اجتماعی داشته و به عنوان کانون فعالیت های باندهای و محافل مافیا شناخته شده است، به طور سنتی شاهد سطح فعالیت اقتصادی پایین تر و نیز تحت سطره ی نظام های سیاسی تمامیت خواه بوده است.

سوری (۱۳۸۳)، در مقاله خود به عنوان «سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی» به یک بحث تجربی در رابطه با اقتصاد ایران پرداخته است. نتایج نشان می دهد که شاخص کاهش سرمایه اجتماعی رابطه ی منفی و کاملا معناداری با رشد اقتصادی و سرمایه گذاری بخش خصوصی دارد.

علمی، شارع پور و حسینی (۱۳۸۴)، در مقاله ی خود به «بررسی سرمایه اجتماعی و چگونگی تاثیر آن بر اقتصاد» پرداخته اند. این مقاله ضمن بررسی تعاریف و ویژگی های سرمایه اجتماعی، به بیان کانال هایی که سرمایه اجتماعی می تواند بر اقتصاد و عملکرد اقتصادی تاثیر بگذارد، پرداخته است. در این مقاله به طور مختصر به کارهای صورت گرفته

استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی کشور برای دستیابی به توسعه تعریف می کند. در این تعریف، مفهوم حکمرانی به طور مستقیم به مدیریت فرایند توسعه می پردازد که شامل دو بخش خصوصی و عمومی است، حکمرانی شامل ظرفیت و کارکردهای بخش عمومی می باشد. همچنین قوانین و نهادهایی را برای هدایت بخش عمومی خصوصی فراهم می نماید. پاسخگویی نیز باید مورد توجه باشد که شامل پاسخگویی عملکرد اقتصاد می باشد. به طور کلی می توان گفت حکمرانی یک فرایند محیط نهادی است که شهروندان میان خودشان و با نهاد اجتماعی و دولتی دارند که با یکدیگر در تعامل می باشند. در تعریف دیگر (Koufmann , Kraay , Matruzzi, 2003) بانک جهانی حکمرانی را به عنوان سنت ها و نهادهایی تعریف می کند که توسط آنها قدرت به منظور مصلحت عمومی در یک کشور، اعمال می شود که مشتمل بر، ۱- فرایندی است که از طریق آن قدرت، انتخاب، نظارت و تفویض می شوند. ۲- ظرفیت و توانایی دولت برای اداره ی کارآمد منابع و اجرای سیاست های درست. ۳- احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می کنند. هم چنین بانک جهانی (World Bank , 2005)، حکمرانی خوب را براساس شش شاخص تعریف می کند و براساس این شاخص ها وضعیت حکمرانی خوب را در کشورهای مختلف هر دو سال یکبار مورد ارزیابی قرار می دهد. این شاخص ها عبارتند از:

- ۱) حق اظهار نظر و پاسخ گویی^{۱۳}
- ۲) ثبات سیاسی و عدم خشونت^{۱۴}
- ۳) کارایی و اثر بخشی دولت^{۱۵}: کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله
- ۴) کیفیت قوانین و مقررات^{۱۶}: مقررات اضافی و هزینه های آن.

۵) حاکمیت قانون^{۱۷}

۶) کنترل فساد^{۱۸}

در این تعریف هر اندازه ویژگی های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و کارایی و اثر بخشی دولت در یک جامعه بیشتر، فساد، مقررات اضافی و بی ثباتی سیاسی و خشونت در یک جامعه کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای نیل به اهداف توسعه مناسبتر است.

سابقه ی پژوهش:

از آنجایی که موضوع «اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب» می باشد، به جز در چند مورد بسیار محدود، مطالعاتی به صورت دقیق و مشخص انجام نگرفته است. لذا

این شاخص در ترکیه بیشتر از ایران و در ایران بیشتر از پاکستان می‌باشد. به طوریکه با یک واحد تغییر در کیفیت حکمرانی، نرخ رشد اقتصادی در ترکیه، ایران و پاکستان به ترتیب، ۰،۱۶، ۰،۱۱ و ۰،۰۶ درصد تغییر می‌یابد.

سردارنیا (۱۳۸۸)، در مقاله‌ی خود به بررسی «اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب» پرداخته است. او در این مقاله سعی کرده است در چارچوب الگوی تعامل سرمایه اجتماعی و حکومت (ساختار نهادی و سیاسی)، الگوی سیستمی (نظام سیاسی) دیوید ایستون و آلموندو الگوی مفهومی گینمن، به آثار سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب، از دید نظری - الگویی پرداخته است. همچنین از یافته‌های تجربی پژوهشگران در این زمینه به عنوان داده‌های تجربی ثانوی بهره گرفته شده است.

ساعی، کبیری، کسرای و صادقی (۱۳۹۰)، در مقاله خود به عنوان «سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب» به بررسی تفاوت پذیری کشورها برحسب کیفیت حکمرانی پرداخته اند. این مقاله با روش تحلیل تطبیقی فازی بین کشوری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ با استفاده از نرم افزار FS / QCA پردازش شده است. داده‌های تجربی ناظر بر شاخص سازگاری دلالت بر آن دارد که رابطه‌ی فازی دو مجموعه سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب برابر با ۰،۷۱ است. این ارزش نشان می‌دهد که ۷۱ درصد موارد این ادعا را تایید می‌کنند که سرمایه اجتماعی شرط لازم برای حکمرانی خوب است. شاخص پوشش بین دو مجموعه‌ی سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب برابر ۰،۷۲ است. این ارزش بیانگر میزان اهمیت تجربی سرمایه اجتماعی برای حکمرانی خوب است. شواهد موجود دلالت بر آن دارد که ۰،۷۲ درصد از فضای حکمرانی خوب توسط سرمایه اجتماعی پوشش داده شده است. بدین ترتیب شرط علی سرمایه اجتماعی ۷۲ درصد از عضویت کل نتیجه را پوشش داده است. بنابراین عامل سرمایه اجتماعی شرط لازم با اهمیتی برای تحقق حکمرانی خوب است.

فوکویاما (۱۹۹۵)، این تز را مطرح می‌کند که تفاوت کشورها به لحاظ ساختار صنعتی شان بیش از آنکه به سطح توسعه‌ی آن‌ها ربط داشته باشد، به سرمایه اجتماعی شان - یعنی میزان اعتمادورزی افراد یک جامعه به یکدیگر و نیز مشارکت آنها در تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های شهروندی بستگی دارد. براین اساس، وی تقسیم بندی جدیدی را از ملل جهان پیشنهاد می‌کند، که در آن کشورهایی چون تایوان، هنگ کنگ، ایتالیا و فرانسه در گروه کشورهای کم اعتماد و جوامعی نظیر ژاپن، آمریکا و آلمان در گروه کشورهای پراعتقاد جای می‌گیرند. به طور خلاصه، به تعبیر

در ایران اشاره شده و پیشنهادهایی را برای سیاست‌گذاران بیان کرده است.

رحمانی، عباسی نژاد و امیری (۱۳۸۵)، در مقاله‌ی با نام «بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران» به بررسی نحوه‌ی اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی می‌پردازند. در این مقاله با گسترش مدل‌های رشد نئوکلاسیک، سه مدل که نحوه‌ی تاثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی را از سه کانال مختلف بیان می‌کنند، اراده شده است. آنها با استفاده از اطلاعات پیمایش‌های «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» و «رفتارهای فرهنگی ایرانی» و آمار مرکز آمار ایران و بانک مرکزی براساس مدل‌های رشد اقتصادی و روش اقتصادسنجی فضایی، تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ۲۸ استان کشور طی دوره‌ی ۸۲ - ۱۳۷۹ مورد بررسی قرار دادند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که این متغیر دارای تاثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی می‌باشد، به این ترتیب که با ثابت بودن سایر شرایط، افزایش یک واحد شاخص سرمایه اجتماعی، رشد اقتصادی ۰،۱۸ درصد افزایش می‌یابد.

میدری (۱۳۸۵)، در مقاله‌ی خود به عنوان «مقدمه‌ای بر نظریه‌ی حکمرانی خوب» به بررسی زمینه‌های پیدایش آن می‌پردازد. وی با مقایسه‌ی نظریه‌ی حکمرانی خوب با سایر نظریه‌های مربوط به دولت، بیان می‌دارد که با وقوع بحران‌های متعدد اقتصادی در کشورهای مختلف جهان در دهه‌ی ۱۹۹۰، انتقادات زیادی نسبت به نظریه‌ی «دولت حداقل» و کارایی این نظریه شکل گرفته است. هم‌چنین شکست نظام کمونیستی شوروی، عدم کارایی را در جبهه‌ی مقابل، یعنی «دولت بزرگ» نیز به اثبات رسانده است. وی عنوان می‌کند که بزرگی و کوچکی دولت، نقش‌چندانی در حل مشکل توسعه ندارد، بلکه این کیفیت فعالیت‌های دولت و یا به عبارت دیگر پایبندی دولت به اجرای اصول حکمرانی خوب است که می‌تواند مسیر توسعه را برای یک کشور هموارتر کند.

سلاطین (۱۳۸۸)، در پایان نامه‌ی دکتری خود با عنوان «بررسی تاثیر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان)» با استفاده از داده‌های تلفیقی (پانل) در دوره‌ی ۲۰۰۷ - ۱۹۹۶، مورد بررسی قرار داده است. او ابتدا به معرفی شاخص کیفیت حکمرانی پرداخته و سپس روند آن را در ایران مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد که شاخص کیفیت حکمرانی در هر سه کشور دارای تاثیر مثبت و معنادار با نرخ رشد اقتصادی دارد. اما میزان تاثیرگذاری

نتیجه مصالحه‌ی عقلانی میان گروه‌های رقیب است. (ونهانن، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۳)

در نظریه‌ی دایاموند، توسعه‌ی اقتصادی از طریق ایجاد فرهنگ دموکراتیک اعم از میانه‌روی، افزایش مدارا، دانش، مشارکت جویی و عقلانی شدن مخالفت سیاسی بر کیفیت حکمرانی تأثیر می‌گذارد (دایاموند، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴). این دسته از نظریه پردازان با وجود تأکید بر توسعه‌ی اقتصادی بر عامل زیرین تغییرات اجتماعی - فرهنگی نیز تأکید دارند و تأثیر گذاری توسعه‌ی اقتصادی بر کیفیت حکمرانی و کارآمدی آن را از طریق ساز و کار تغییرات اجتماعی و فرهنگی ممکن می‌دانند.

توکویل از جمله نخستین اندیشمندان کلاسیک جامعه‌شناسی بود که میان نهادهای اجتماعی و ویژگی‌های سیاسی پیوند برقرار کرد. توکویل آغاز کننده‌ی دیدگاهی شد که امروزه نوتوکویل‌گرایان از جمله رابرت پوتنام و فرانسیس فوکویاما ادامه دهنده‌ی آن هستند. این دیدگاه بر اهمیت سنت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع که از آن‌ها با عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌شود و تأثیر آن بر عملکرد موفق نهادهای سیاسی و اقتصادی تأکید دارد. توکویل در اثر خود با عنوان دموکراسی در آمریکا وجود فرهنگ مشارکتی جمعی و تجلی آن، یعنی وجود انجمن‌های داوطلبانه‌ی انبوه و متنوع مردمی، را مهمترین عامل موفقیت حکومت در آمریکا می‌نامد. وی معتقد است کارآمدی حکومت نیازمند پیوندهای مدنی و انجمن‌های اجتماعی واسط میان فرد و حکومت است. جامعه در غیاب جامعه‌ی مدنی و انجمن‌های اجتماعی توده‌ای می‌شود (توکویل، ۱۹۹۴ و ۱۸۳۷).

دیوید استون^{۲۱}، در نظریه‌ی سیستمی خود به رابطه و تعامل نظام سیاسی و جامعه پرداخته است. او معتقد است که با افزایش انجمن‌های اجتماعی و تقویت جامعه‌ی مدنی در قالب تقاضاها و حمایت‌ها از نظام سیاسی می‌توانند با تأثیر بر تصمیمات و کنش‌های دولت، بر کارآمدی و پاسخگویی نظام سیاسی بیفزاید (دیوید استون، ۱۹۶۵ و ۱۹۵۲).

آلموند و وربا^{۲۲}، در مطالعه‌ی خود درباره‌ی فرهنگ مدنی استدلال کرده‌اند اعتماد اجتماعی، تساهل و احساسات کارآمد که نمایانگر فضایل مدنی هستند، موجب کارکرد موثر نهادهای دموکراتیک و کارآمدی حکومت می‌شوند (آلموند و وربا، ۱۹۶۳).

در دستگاه نظری هابرماس جامعه شامل نظام و زیست جهان است، نظام شامل دولت و نظام اقتصادی است. زیست جهان که فضای کنش ارتباطی است، محل خیزش و تولید

فوکویاما، سطح بالاتر اعتماد در یک جامعه، موجب پیدایش اقتصادی کارا تر می‌شود.

پاکستون^{۱۹} (۲۰۰۲)، در مقاله خود به عنوان «سرمایه اجتماعی و دموکراسی» به بررسی رابطه‌ی دو طرفه بین سرمایه اجتماعی و دموکراسی پرداخته است. او با مبتنی بر داده‌های پانل که از WVS و موسسه سرای آزادی برای ۴۸ کشور جمع‌آوری شده است به این نتیجه رسیده است که رابطه‌ی دوطرفه بین سرمایه اجتماعی و دموکراسی وجود دارد. همچنین نشان می‌دهد که هر چه مشارکت و اتحاد در یک جامعه‌ای بیشتر باشد اثر مثبت دموکراسی بیشتر خواهد بود.

دنيس^{۲۰} (۲۰۰۳)، در مقاله‌ی خود تحت عنوان «سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب» به بررسی اثر مشارکت مدنی بر روی کارایی دولت پرداخته است. او در این مطالعه با استفاده از روش داده‌هایی تابلویی برای کشورهای منتخب جهان طی سال‌های ۲۰۰۲ - ۱۹۹۸ به برآورد مدل پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که با بالا رفتن سرمایه اجتماعی موجب بهتر شدن حکمرانی خوب می‌شود.

مبانی نظری حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی:

لیپیست معتقد است توسعه‌ی اقتصادی در بلند مدت بر تراکم قدرت اثر کاهنده دارد. در سطح کلان توسعه‌ی اقتصادی با تفکیک اجتماعی - اقتصادی عجین است. یعنی با تکامل اقتصادی گرچه سلسله مراتب در جامعه افزایش می‌یابد، به دنبال آن، قدرت سلسله مراتب کاهش می‌یابد. در سطح خرد نیز توسعه‌ی اقتصادی به رشد طبقه‌ی متوسط، افزایش تفویض قدرت، افزایش چگالی روابط اجتماعی و عدم تمرکز سیاسی می‌انجامد و این تغییرات به کارآمدی حکومت منجر می‌شود. (لیپیست، ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴)

در نظریه‌ی هانتینگتون توسعه‌ی اقتصادی از طریق افزایش سطح سواد و گسترش طبقه‌ی متوسط که تغییر در نظام قشربندی و افزایش تقاضا برای مشارکت مدنی را به دنبال خود داشته باشد، بر کیفیت حکمرانی تأثیر دارد (هانتینگتون، ۱۳۷۵).

نظریه‌ی ونهانن تحت عنوان توزیع قدرت مطرح است. چیزی که هسته‌ی اصلی مفهوم حکمرانی خوب است. در نظریه‌ی ونهانن توسعه‌ی اقتصادی منجر به توزیع منابع قدرت اعم از اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود و آن هم منجر به تکثر گروه‌های فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی در جامعه می‌شود. در این نظریه کارآمدی حکمرانی خوب

به نظر اسلانر و دکر^{۲۴}، کشورهایی که از سطح بالای سرمایه‌ی اجتماعی برخوردارند عملکرد حکومتی مناسب‌تر و رونق بیشتر و رشد اقتصادی بیشتر خواهند داشت. این افراد معتقداند در جوامعی که میزان مشارکت در امور مدنی بالا است، حکومت کیفیت بهتری دارد. (اسلانر و دکر، ۲۰۰۱)

به نظر نیوتن^{۲۵}، در شرایط سرمایه اجتماعی بالا، شهروندان جهت گیری معطوف به اجتماع دارند، قانون مدارند و با دولت همکاری بهتری دارند. اساسا اجرای سیاست‌ها در جامعه‌ای که دارای سرمایه اجتماعی بالا است به راحتی صورت می‌گیرد و برعکس. (نیوتن، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۴)

مک لارین و مافونیس، در آزمون الزام سرمایه اجتماعی در کارآمدی حکومت ضمن ارزیابی و آزمون نظریه‌ی پوتنام برای عملیاتی کردن سرمایه اجتماعی از میزان درگیر شدگی مدنی، عضویت و همکاری شهروندان با گروه‌ها، انجمن‌ها و احزاب و میزان اعتماد اجتماعی شهروندان استفاده کرده‌اند (مافونیس^{۲۶}، ۲۰۰۴ و مک لارین^{۲۷}، ۲۰۰۶)

توماس، معتقد است سرمایه اجتماعی از عوامل مهم موثر بر حکمرانی خوب به شمار می‌آید. نظارت جامعه‌ی مدنی بر تصمیم‌گیری و عملکرد بخش دولتی و مشارکت در این امور نوعی موازنه سازی و ابزاری مهم برای بهبود حکمرانی است. این فرایند باعث شفاف شدن دولت در منظر مردم و افزایش اختیارات شهروندان برای ایفای نقش فعال می‌شود.

بررسی سمپسون و همکارانش^{۲۸} نیز نشان داده است که پیوندهای اجتماعی، تراکم و فشردگی انجمن و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه می‌تواند به درگیر شدگی و مشارکت مدنی بیشتر شهروندان در پیوند با حکمرانی خوب بینجامد (سمپسون و همکاران، ۲۰۰۵).

نایک در پژوهش خود نشان داده است که مولفه‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه تاثیر مثبت بر کیفیت حکمرانی دارد (نایک، ۲۰۰۲).

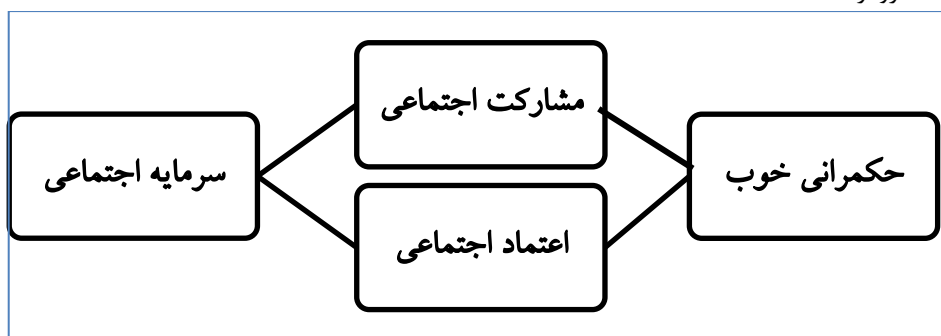
اعتماد اجتماعی و محل فعالیت انجمن‌های مدنی است. براساس نظریه‌ی هابرماس حکمرانی خوب زمانی تحقق می‌یابد که زیست جهان قوی گردد و نظام توان استعمار زیست جهان را نداشته باشد و تناسب اقتدار بین نظام و زیست جهان ایجاد گردد (هابرماس، ۱۳۸۴).

به نظر رونالد اینگلهارت، میزان کارآمدی نهادهای دموکراتیک به فرهنگ مدنی، ارزش‌های ابراز وجود (عضویت انجمنی) و اعتماد بستگی دارد. ایشان تغییرات میزان کارآمدی نهادهای دموکراتیک را در بین جوامع با این عوامل تبیین کرده است. (اینگلهارت، ۲۰۰۵)

رابرت پوتنام، استدلال کرده است سرمایه اجتماعی بالا به حکمرانی خوب می‌انجامد. از سوی دیگر، حکومت‌های خوب بهتر می‌توانند سرمایه اجتماعی را حفظ کنند و کمتر آن را تخریب می‌کنند. پوتنام معتقد است سرمایه اجتماعی می‌تواند کارایی جامعه را از طریق تسهیل کنش‌های جمعی هماهنگ، بهبود دهد. (پوتنام، ۱۹۹۴، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳). از نظر پوتنام عناصر سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب و پیشرفت اقتصادی و سیاسی را تضمین می‌کند. این عناصر عبارتند از الزامات اخلاقی و هنجارها، اعتماد اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی به ویژه انجمن‌های داوطلبانه.

پینا نوریس، معتقد است نظریه‌ی سرمایه اجتماعی با تفکر ضرورت انجمن‌های مدنی و سازمان‌های داوطلبانه در دستیابی به دموکراسی، مشارکت سیاسی و کارآمدی حکومت تکوین یافته است. نوریس سرمایه اجتماعی را شرط بهبود عملکرد دموکراتیک جامعه می‌داند، ولی معتقد است ترکیب اعتماد مدنی با فعالیت مدنی در انجمن‌ها به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی اثر یکسانی بر عملکرد حکومت ندارد بلکه بیشترین اثر مربوط به اعتماد اجتماعی است نه فعالیت مدنی. (نوریس، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱)

گروتارت^{۲۹}، سرمایه‌ی اجتماعی را به مولفه‌ای اساسی برای تبیین این پرسش می‌داند که چرا برخی از جوامع در مقایسه با جوامع دیگر موفق هستند. به نظر گروتارت سرمایه اجتماعی موجب داشتن حکومت خوب و کارآمد می‌شود. (گروتارت، ۲۰۰۱)



الگوی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب

ها را قادر می‌سازد. (Narayan 1999 and Putnam 1993) لذا برای سرمایه اجتماعی از دو شاخص زیر استفاده شده است.

(۱) اعتماد (Trust): در این شاخص این سوال مطرح است که آیا اکثر مردم به هم اعتماد دارند یا نه؟ برای شاخص اعتماد از دو ارزش ۱ و ۲ استفاده شده است. به این معنی که اگر اعتماد در بین مردم وجود دارد ارزش ۲ و اگر اعتماد وجود ندارد ارزش ۱ تعلق گیرد. (۲) عضویت در انجمن‌های داوطلبانه (Membership in voluntary organization): در این شاخص این سوال مطرح است که آیا نهادها و یا سازمان‌های مدنی و داوطلبانه در کشور فعال اند یا غیر فعال؟ برای این شاخص از سه ارزش صفر، یک و دو استفاده شده است. به این معنی که اگر در یک کشوری این نهادها و سازمان‌های داوطلبانه فعال اند ارزش ۲، اگر غیر فعال می‌باشند ارزش ۱، و اگر در یک کشوری اصلاً این سازمان‌ها وجود نداشته باشد ارزش صفر تعلق می‌گیرد.

بر طبق مباحث تئوریک، چون اعتماد و عضویت در نهادهای مدنی اثر مثبت افزایش دارند لذا برای محاسبه‌ی سرمایه اجتماعی این دو شاخص را با هم ترکیب کرده و این کار با ضرب کردن این دو شاخص باهم، شاخص سرمایه اجتماعی استخراج شده است. (Putnam 1993, 2000) و بر طبق مباحث تئوریک، چون اعتماد و عضویت در نهادهای مدنی اثر مثبت افزایش دارند لذا برای محاسبه‌ی سرمایه اجتماعی این دو شاخص را با هم ترکیب کرده و این کار با ضرب کردن این دو شاخص باهم، شاخص سرمایه اجتماعی استخراج شده است. (Putnam 1993, 2000). که این شاخص‌ها از نظر سنجی پیمایش نگرش‌ها و ارزش‌ها در جهان (WVS)^{۳۱} گرفته شده است در مطالعه‌ی حاضر از چهار متغیر کنترل استفاده شده است که عبارتند از: دموکراسی، درآمد سرانه، اندازه جمعیت و پراکندگی جمعیت.

بر این اساس برای بیان اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه از مدل زیر استفاده شده است:

$$good\ governance_{it} = \beta_1 + \beta_2 soccap_{it} + \beta_3 polity_{it} + \beta_4 \ln_gdp_{it} + \beta_5 op_{it} + \beta_6 \ln_pop_{it} + \beta_7 dens_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این معادله، soccap شاخص سرمایه اجتماعی که

سرمایه اجتماعی دارایدو بعد اساسی است: اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی. اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد اصلی سرمایه اجتماعی، آمادگی بالقوه‌ی شهروندان برای همکاری و تعامل با یکدیگر و آمادگی آنها را برای وارد شدن در فعالیت‌های اجتماعی نشان می‌دهد. با این نگاه، در سطح خرد، در پرتو سرمایه اجتماعی، اعضای جامعه به هم اعتماد می‌کنند و بر مبنای این اعتماد به تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های جدید و همکاری در چارچوب آنها مبادرت می‌کنند. در سطح کلان نیز با بالا رفتن اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی شهروندان، همکاری و تمایل دولت و مردم افزایش می‌یابد و تناسب اقتدار دولت و جامعه مدنی با تمرکززدایی از قدرت ایجاد خواهد شد. لذا سرمایه اجتماعی به مشارکت فعال شهروندان در سیاست منجر می‌شود و این فرصت را برای شهروندان فراهم می‌کند که خودشان مشارکت فعالی در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند و کنش‌های جمعی به راحتی منجر به نتیجه‌ی مورد نیاز می‌شوند و در نتیجه‌ی این تحولات هم شهروندان عقلانی می‌شوند و هم فضای جامعه در سطح نخبگان رقابتی می‌شود. علاوه بر این، افزایش اعتماد اجتماعی و بالا رفتن مشارکت مدنی شهروندان، هزینه اجرای قوانین و سیاست‌های حکومت کاهش می‌یابد و مردم با مشارکت در مدیریت جامعه با دولت همکاری مطلوب خواهند داشت. با افزایش سرمایه اجتماعی و همکاری دولت و مردم در پروژه‌های مشترک، مشارکت مدنی در بین شهروندان نهادینه می‌شود و به بهبود حکمرانی کمک می‌کند.

محاسبات پژوهش:

براساس بحث‌های انجام شده در بالا، بانک جهانی شش شاخص را برای حکمرانی خوب معرفی می‌کند. که عبارتند از: کنترل فساد، کارایی و اثر بخشی دولت، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، ثبات سیاسی و عدم خشونت، حق اظهار نظر و پاسخگویی.

در مطالعه حاضر برای حکمرانی خوب از چهار شاخص: «کنترل فساد، کارایی و اثر بخشی دولت، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات» استفاده شده است. چون شاخص سرمایه اجتماعی رابطه‌ی نزدیکی با این متغیرها دارد. (Putnam 1993)

در این پژوهش برای سرمایه اجتماعی از دو شاخص «اعتماد»^{۳۲} و «مشارکت در نهادهای مدنی (عضویت در سازمان‌های داوطلبانه)»^{۳۰} استفاده شده است. باتوجه به هدف این مطالعه، سرمایه اجتماعی عبارت است از: اعتماد، هنجارها، و شبکه‌های ارتباطی که هماهنگی‌ها و همکاری

با ضرب کردن شاخص اعتماد در شاخص مشارکت در نهادهای مدنی است، polity دموکراسی، ln_gdp درآمد سرانه، op باز بودن اقتصاد، ln_pop اندازه ی جمعیت و dens پراکندگی جمعیت می‌باشند. Good governance شاخص حکمرانی خوب می‌باشد که در این مطالعه از چهار شاخص کنترل فساد، کارایی و اثر بخشی دولت، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات استفاده شده است. یعنی در این پژوهش برای بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب چهار معادله وجود دارد. لذا دوره زمانی این پژوهش از سال های ۲۰۱۰ - ۱۹۹۶ و دوره مکانی آن برای کشورهای در حال توسعه (آرژانتین، برزیل، چین، مصر، هند، ایران، اردن، کره جنوبی، مالزی، پاکستان، روسیه، آفریقای جنوبی، ترکیه و ونزوئلا) می‌باشد. این کشورها براساس حداکثر اطلاعات موجود برای شاخص سرمایه اجتماعی انتخاب شده اند. چهار معادله عبارتند از:

$$1 - \text{control of corruption}_{it} = \beta_1 + \beta_2 \text{soccap}_{it} + \beta_3 \text{polity}_{it} + \beta_4 \text{ln_gdp}_{it} + \beta_5 \text{op}_{it} + \beta_6 \text{ln_pop}_{it} + \beta_7 \text{dens}_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این معادله، control of corruption بیانگر کنترل فساد می‌باشد.

$$2 - \text{government effectiveness}_{it} = \beta_1 + \beta_2 \text{soccap}_{it} + \beta_3 \text{polity}_{it} + \beta_4 \text{ln_gdp}_{it} + \beta_5 \text{op}_{it} + \beta_6 \text{ln_pop}_{it} + \beta_7 \text{dens}_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این معادله government effectiveness بیانگر کارایی و اثر بخشی دولت می‌باشد.

$$3 - \text{rule of law}_{it} = \beta_1 + \beta_2 \text{soccap}_{it} + \beta_3 \text{polity}_{it} + \beta_4 \text{ln_gdp}_{it} + \beta_5 \text{op}_{it} + \beta_6 \text{ln_pop}_{it} + \beta_7 \text{dens}_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این معادله، rule of law بیانگر حاکمیت قانون است.

$$4 - \text{regulatory quality}_{it} = \beta_1 + \beta_2 \text{soccap}_{it} + \beta_3 \text{polity}_{it} + \beta_4 \text{ln_gdp}_{it} + \beta_5 \text{op}_{it} + \beta_6 \text{ln_pop}_{it} + \beta_7 \text{dens}_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این معادله، regulatory quality بیانگر کیفیت قوانین و مقررات می‌باشد.

برای برآورد مدل، ابتدا نتایج حاصل از آزمون های چاو و ضریب لاگرانژ، برآورد الگو به روش داده های تلفیقی را رد می‌کند. سپس با استفاده از آزمون هاسمن، آماره کای - دو محاسبه شده، نشان دهنده ی تایید روش اثر ثابت برای الگو می‌باشد. و در نهایت مدل منتخب به روش رگرسیون داده های تلفیقی^{۳۳} مورد برآورد قرار گرفته است.

جدول ۱: آزمون چاو، ضریب لاگرانژ و آزمون هاسمن (برای معادله اول)

نتیجه	P-Value	آماره t	
اثر ثابت	0.0000	74.14	آزمون چاو
اثر تصادفی	0.0000	767.19	آزمون ضریب لاگرانژ
اثر ثابت	0.0008	26.95	آزمون هاسمن

منبع تحقیق: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم افزار stata 12

جدول ۲: آزمون چاو، ضریب لاگرانژ و آزمون هاسمن (برای معادله دوم)

نتیجه	P-Value	آماره t	
اثر ثابت	0.0000	107.67	آزمون چاو
اثر تصادفی	0.0000	842.22	آزمون ضریب لاگرانژ
اثر ثابت	0.0000	52.52	آزمون هاسمن

منبع تحقیق: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم افزار stata 12

جدول ۳: آزمون چاو، ضریب لاگرانژ و آزمون هاسمن (برای معادله سوم)

نتیجه	P-Value	آماره t	
اثر ثابت	0.0000	125.15	آزمون چاو
اثر تصادفی	0.0000	972.06	آزمون ضریب لاگرانژ
اثر ثابت	0.0000	311.25	آزمون هاسمن

منبع تحقیق: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم افزار stata 12

جدول ۴: آزمون چاو، ضریب لاگرانژ و آزمون هاسمن (برای معادله چهارم)

نتیجه	P-Value	آماره t	
اثر ثابت	0.0000	71.84	آزمون چاو
اثر تصادفی	0.0000	797.30	آزمون ضریب لاگرانژ
اثر ثابت	0.0000	31.04	آزمون هاسمن

منبع تحقیق: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم افزار Stata 12

جدول ۵: نتایج حاصل از برآورد الگوها برای کشورهای در حال توسعه (۲۰۱۰-۱۹۹۶)

متغیر وابسته	ضرایب مدل اول	ضرایب مدل دوم	ضرایب مدل سوم	ضرایب مدل چهارم
متغیر مستقل	کنترل فساد	کارایی و اثربخشی دولت	حاکمیت قانون	کیفیت قوانین و مقررات
Soccap	0.429925	0.153557	0.030152	0.196257
Polity	0.005257	0.000898	0.009589	0.015268
Ln_gdp	0.076929	0.262178	0.111407	0.231020
Ln_pop	-1.170415	-0.309769	-0.082151	-0.128086
OP	0.001134	-0.000501	-0.002236	6.75E-05
Dens	-0.005107	-0.003483	0.001275	-0.011629
R ²	0.937867	0.958361	0.970899	0.950152
R ² تعدیل شده	0.931654	0.954197	0.967989	0.945167
آماره F	150.9452	230.1583	333.6362	190.6086

منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم افزار Eviews 7

- تمامی اعداد در سطح ۹۰٪ معنادار هستند براساس جدول (۵)، می‌توان نتایج برآورد را به صورت زیر بیان کرد:

(۱) مدل اول: در این مدل برآورد اثر سرمایه اجتماعی بر کنترل فساد برای کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است. همانطور که مشاهده می‌شود، ضریب سرمایه اجتماعی مثبت و معنادار می‌باشد. یعنی اگر سرمایه اجتماعی یک درصد افزایش (کاهش) یابد، با ثابت بودن سایر شرایط، کنترل فساد ۰.۴۲ درصد افزایش (کاهش) می‌یابد. به همین ترتیب ضرایب دموکراسی، درآمد سرانه و باز بودن اقتصاد مثبت و معنادار می‌باشند. ولی ضرایب اندازه جمعیت و پراکندگی جمعیت منفی و معنادار می‌باشند.

(۲) مدل دوم: در این مدل برآورد اثر سرمایه اجتماعی بر کارایی و اثربخشی دولت برای کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، ضریب سرمایه اجتماعی مثبت و معنادار می‌باشد، یعنی اگر سرمایه اجتماعی یک درصد افزایش (کاهش) یابد، با ثابت بودن سایر شرایط، کارایی و اثربخشی دولت ۰.۱۵ درصد افزایش (کاهش) می‌یابد. به همین

ترتیب ضرایب دموکراسی و درآمد سرانه، مثبت و معنادار می‌باشد ولی ضرایب باز بودن اقتصاد، اندازه جمعیت و پراکندگی جمعیت، منفی و معنادار می‌باشند.

(۳) مدل سوم: در این مدل، برآورد اثر سرمایه اجتماعی بر حاکمیت قانون برای کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، ضریب سرمایه اجتماعی مثبت و معنادار می‌باشد. یعنی اگر سرمایه اجتماعی یک درصد افزایش (کاهش) یابد، با ثابت بودن سایر شرایط، حاکمیت قانون ۰.۰۳ درصد افزایش (کاهش) می‌یابد. به همین ترتیب ضرایب دموکراسی، درآمد سرانه و پراکندگی جمعیت، مثبت و معنادار می‌باشد ولی ضرایب اندازه جمعیت و باز بودن اقتصاد منفی و معنادار می‌باشد.

(۴) مدل چهارم: در این مدل، برآورد اثر سرمایه اجتماعی بر کیفیت قوانین و مقررات در کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، ضریب سرمایه اجتماعی مثبت و معنادار می‌باشد. یعنی اگر سرمایه اجتماعی یک درصد افزایش (کاهش) یابد، با ثابت بودن سایر شرایط، کیفیت قوانین و مقررات ۰.۱۹

دادن این سیستم ها، فعالیت هایی را شکل دهد که مدنی و داوطلبانه به نظر برسند و آن را اجباری ساخته که باعث پیوستن شهروندان به این انجمن ها شود.

۲) سرمایه اجتماعی به مشارکت فعال شهروندان در سیاست منجر می شود و این فرصت را برای شهروندان فراهم می کند که در تصمیم گیری ها مشارکت فعالی داشته باشند. لذا یکی از عواملی که باعث گسترش سرمایه اجتماعی در یک کشور می شود، باید تعداد سازمان های بین المللی، NGO ها و... را افزایش داد تا بتوان از نظرات شهروندان استفاده کرد. به طوریکه در پرتو این تعاملات، شهروندان عقلانی و فضای جامعه در سطح نخبگان، رقابتی می شود.

۳) یکی از عوامل بسیار مهمی که می تواند باعث گسترش سرمایه اجتماعی در یک کشور شود، گروه ها و گردهمایی های جوانان می باشد. یعنی اینکه بتوان شرایطی ایجاد کرد که اعتماد و شوق مشارکت در این انجمن های داوطلبانه افزایش یابد. با افزایش این کار، هزینه های اجرای قوانین و سیاست های حکومت کاهش می یابد. بدین نحو که با افزایش سرمایه اجتماعی از این طریق و تعامل دولت با مردم در پروژه های مشترک، فضیلت مدنی در بین شهروندان نهادینه شده و به بهبود حکمرانی کمک می کند. در واقع تبادل ارتباطات، اعتماد و انرژی بین دولت و شهروندان به بالا رفتن کارایی جامعه و دولت منجر می شود که پیامد آن حکمرانی خوب می باشد

منابع:

- ۱ - اینگلهارت، رونالد و پینانویس (۱۳۷۸)، " مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان"، ترجمه ی مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- ۲ - بوردیو، پیر (۱۳۸۴)، " شکل های سرمایه " گردآورنده کیان تاجبخش، ترجمه ی افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، انتشارات شیرازه.
- ۳ - پوتنام، رابرت و دیگران (۱۳۸۴)، " سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی و توسعه " گردآورنده کیان تاجبخش، ترجمه ی افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، انتشارات شیرازه.
- ۴ - دورلاف، استیون (۱۳۸۴)، " بر علیه ی سرمایه اجتماعی " گردآورنده کیان تاجبخش، ترجمه ی افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، انتشارات شیرازه.

درصد افزایش (کاهش) می یابد. به همین ترتیب ضرایب دموکراسی، درآمد سرانه و باز بودن اقتصاد مثبت و معنادار می باشند ولی ضرایب اندازه جمعیت و پراکندگی جمعیت منفی و معنادار می باشند.

نتیجه گیری:

در مطالعه ی حاضر، تجزیه و تحلیل داده ها برای کشورهای درحال توسعه برای سال های ۲۰۱۰ - ۱۹۹۶ صورت گرفته است. و همانطور که در قسمت قبل دیدیم، سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر مهم بر روی حکمرانی خوب تاثیر گذار است. در واقع این گونه است که، بالا رفتن سرمایه اجتماعی، باعث بهتر شدن حکمرانی می شود.

براساس نتایج بدست آمده از برآورد مدل ها می توان بیان کرد که در کشورهای درحال توسعه سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر مهم می تواند بر روی حکمرانی تاثیر بگذارد. لذا همانطور که برآورد مدل ها نشان می دهد، سرمایه اجتماعی بر روی چهار شاخص حکمرانی تاثیر مثبت و معناداری دارد.

بنابراین براساس بحث های انجام شده در بالا می توان بیان کرد که سرمایه اجتماعی شرط لازم برای حکمرانی خوب است. یعنی اینکه با افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه و بالا رفتن اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی شهروندان، همکاری و تعامل دولت و مردم افزایش می یابد و تناسب اقتدار دولت و جامعه ی مدنی با تمرکز زدایی از قدرت ایجاد خواهد شد. لذا حکمرانی خوب در کشور نیازمند توازن قدرت میان دولت و جامعه مدنی است، یکی از شرایط علی این توازن را می توان در تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی جست و جو کرد.

پیشنهادات:

- براساس نتایج بدست آمده در بالا، می توان پیشنهادات زیر را ارائه کرد:
- ۱) همانطور که در فصل های قبل گفته شد، یکی از عواملی که می تواند باعث افزایش سرمایه اجتماعی در یک کشور شود، دولت می باشد. به طوریکه نقش دولت در ترویج، ممانعت و یا تخریب سرمایه اجتماعی بسیار مهم می باشد برای مثال ممکن است در یک کشوری سیستم های خود مختار وجود انجمن های داوطلبانه را تحمل کنند ولی ممکن است این انجمن ها به صورت کامل آزاد نباشند. در این صورت افراد جامعه به دلیل زرها و یا ممانعت شخصی حاضر به پیوستن به این انجمن ها نیستند لذا دولت می تواند با تغییر

- ۵ - رحمانی، تیمور و عباسی نژاد، حسین و امیری، میثم (۱۳۸۵)، " بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران: مطالعه موردی: استانهای کشور با روش اقتصادسنجی فضایی "، فصلنامه ی پژوهش های اقتصادی، سال ششم، شماره ی دوم.
- ۶ - سردارنیا، خلیل الله (۱۳۸۸)، " اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب " مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۵۹ - ۲۶۰ صص ۱۴۵ - ۱۳۲.
- ۷ - ساعی، علی و کبیری، افشار و کسرابی محمدسالار و صادقی حسین (۱۳۹۰)، " سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب: تحلیل تطبیقی فازی بین کشوری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ "، مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۲، صص ۹۴ - ۶۳.
- ۸ - سلاطین (۱۳۸۸)، " تاثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC "، پایان نامه ی دکتری، دانشکده ی مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- ۹ - سوری، علی (۱۳۸۳)، " سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی "، سایت www.SID.ir
- ۱۰ - علمی، زهرا و شارع پور محمود و حسینی سید امیرحسین (۱۳۸۴)، " سرمایه اجتماعی و چگونگی تاثیر آن بر اقتصاد "، مجله ی تحقیقات اقتصادی، شماره ی ۷۱، صص ۲۹۶ - ۲۳۹.
- ۱۱ - فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، " پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن " ترجمه ی غلام عباس توسلی، تهران، جامعه ی ایرانیان.
- ۱۲ - کاظمی پور، عبدالمحمد (۱۳۸۳)، " سرمایه اجتماعی در ایران: تحلیل ثانویه پیمایش های ۱۳۸۲ - ۱۳۵۳ "، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح های ملی.
- ۱۳ - کلمن، جیمز (۱۳۸۴)، " نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی "، گردآورنده کیان تاجبخش، ترجمه ی افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، انتشارات شیرازه.
- ۱۴ - میدری، احمد (۱۳۸۵)، " مقدمه ای بر نظریه ی حکمرانی خوب "، فصلنامه ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- ۱۵ - هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵)، " سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی "، ترجمه ی محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی.
- ۱۶ - هابرماس، یورگن (۱۳۸۴)، " نظریه ی کنش ارتباطی: جهان زیست و نظام "، ترجمه ی کمال پولادی، تهران، روزنامه ی ایران.
- 17-Coleman , J (1993). " Foundation of Social theory " , Cambridg , MA: Harvard University press.
- 18-Detocquville , Alexis. [1835, 1840] (2003). " Democracy in America " ,translated by Gerald E. Bevan. London: Penguin.
- 19-Eston , David (1953). " The Political System: An Inquiry in to the state of Political Science " , New york.....
- 20-Eston , David (1965). " A Framework for Political Analysis " , Englewood Cliffs , New Jersey: Prentice – Hall.
- 21-Flora , C.B and J.L. Flora (1995). " The Past and Future: Social Contract , Social Policy and Social Capital. In Increasing Understanding of Public Problems and Policies " , edited by S.A Halbrook and C.E merry , pp 53-64.
- 22-Fukuyama , Francis (1995). " Social Capital and the Global Economy", in Foreign Affairs ,1995a,74(5): 89-103.
- 23-Grootart ,Christon (2001). " Social Capital: The Missing Link , in Social Capital and Participation in Everyday Life " , London: Routedge.
- 24-Kaufmann , Daniel and Aart , Kraay end Massimo , Mastruzzi (2007). " Governance Matters VI: Aggragate and Individual Governance Indicators for 1996 – 2005 " , World Bank Policy Research working paper No. 4280 ,washington D.C.
- 25-Kawachi, I and Kenneedy, B.P, (1997)." Health and social cohesion: why care about incom inequality " , British Medical Journal , Vol. 314, pp. 1037-1040
- 26-Koufmann , D. Kraay , A. and Matruzzi , M. (2003). " Governance mater III: governance indicators for 1996-2002 " . Policy research working paper No.3106 , The World Bank.
- 27-Mafunisa , M.J (2004). " The Role of Civil Society in Promoting Good Governance in the South Africa " , International Review of Administrative Science , 70(3).
- 28-Newton , Kenneth (2004). " Social Trust " , Portugese Journal of Social Sciences.
- 29-Newton ,Kennth (1997). " Social Capital and Democracy " , American Behavioral Scientist , Vol. 40 ,pp. 575-586.
- 30-Pamela , Paxton (2002). " Social Capital and Democracy: An Interdependent Relationship " , American Sociological Review , vol. 67 ,pp. 245-277
- 31-Potes , A (1998). " Social Capital: Its Regions and Application in Modern Sociology " , Annual Review of Sociology , Vol. 24 ,pp 1-24.
- 32-Putnam , Robert (1995). " Bowling Alone: American Declining Social Capital " , Journal of Democracy.

- 36-Wall , Ellen and Gabriele , Ferrazzi, and FransSchryer (1998)." Getting the Goods, on Social Capital ",Rural Sociology,63(2).
- 37-Woolcoch , Michael and Narayan , Deepa (2000). " Social Capital Implication for Development Theory " , Research and Policy: World Bank Research Observer , Vol. 15.
- 38-World Bank (1989)." Sub-Saharan Africa: From Crisis to Sustainable Growth ". Along-Term Perpectivestudy ,washington D.C.
- 39-World Bank (2005)." Governance Indicators , 1996-2004 " , washington D.C: World Bank Available , http://info.worldbank.org/governance/KK2_2004/tables.asp.
- 40-www.World Values Surrevy.org
- 33-Sarah , Denise Eberle (2003). " Social Capital and Good Governance: The Impact of Civil Society on Government Performance " , A Thesis Submitted to the University of Konstanz. In Partical Fulfillment of the Requirements for the Degree Master of Arts in Politics and Managment.
- 34-Schiff , M (1992). " Social Capital , Labor Mobbity, and welfare" , Ration. Soc.4:157-75,.
- 35-UNDP(2000). " Characterics of Good Governance " . peresent at: <http://www.IMF.org/euternational/FT/exvpgoven/gov:ndesx.htm>.

توصیف	منبع	متغیر	نام
حکمرانی خوب شامل شش شاخص می باشد که از چهار شاخص، کنترل فساد، کارایی و اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات استفاده شده است	The Worldwide Governance Indicators (WGI)	حکمرانی خوب	CC
			GE
			RL
			RQ
اگر مردم به هم اعتماد دارند عدد ۱ و اگر ندارند عدد ۲	World Values Survy(WVS)	اعتماد	Trust
اگر سازمانها فعالند عدد ۲ اگر فعال نیستند عدد ۱ و اگر این سازمانها وجود ندارند عدد صفر.	World Values Survy(WVS)	عضویت در انجمن های داوطلبانه	Vol_any
ضرب شاخص های اعتماد و عضویت در سازمانهای داوطلبانه	World Values Survy(WVS)	سرمایه اجتماعی	Soccap
مجموع صادرات و واردات به GDP	World Development Indicator(WDI)	باز بودن اقتصاد	OP
این شاخص براساس قدرت خرید می باشد	World Development Indicator(WDI)	درآمد سرانه	Ln_gdp
به تعداد افراد در کیلومتر مربع	World Development Indicator(WDI)	تراکم جمعیت	Dens
کل ساکنین یک کشور	World Development Indicator(WDI)	اندازه جمعیت	Ln_pop
درجه دموکراسی (دموکراسی کامل منهای حکومتهای استبدادی)	Polity IV	دموکراسی	Polity

جدول ۶: معرفی متغیرها

یادداشت ها

²⁰.Denise

²¹.David Eston

²².Alomond and Verba

²³.Grootart

²⁴.Deker and Uslaner

²⁵.Newton

²⁶.Mafunisa

²⁷.Maclaren

²⁸.Sampson and etal

²⁹.Trust

³³. Membership in voluntary organization

۳۳. این سازمانها عبارتند از: (۱) سازمانهای مذهبی ، (۲) سازمانهای

ورزشی و سرگرمی ، (۳) سازمانهای هنری ، فنی و تحصیلی ، (۴)

اتحادیه های کارگری ، (۵) سازمانهای سیاسی ، (۶) سازمانهای محیطی ،

(۷) انجمنهای حرفه ای ، (۸) موسسات خیریه ، (۹) و هر نوع از این

سازمانها

³⁴.world values surveys

³².Panel Data

¹. Diouf et al (1989)

². Good Governance

³. Social Capital

⁴. Hani Fan

⁵.Fukuyama

⁶.Informal Values or Norms

⁷.Laumann Edward

⁸.Sandfur Rebecca

⁹.M.Schiff

¹³.African Development Bank

¹⁴.Sound Governance

¹².Strategic Vision

¹³.Voice and Accountability

¹⁴.Political Instability and Voice

¹⁵.Government Effectiveness

¹⁶.Regulatory Quality

¹⁷.Rule of Law

¹⁸.Contorol of Corruption

¹⁹.Paxton